

مقایسه‌ای از آسیب‌پذیری اقتصادی ایران با سایر کشورهای با درآمد متوسط منتخب

جابر عبدی* و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۱

چکیده

آسیب‌پذیری اقتصادی در سطح کلان مفهومی است که از آن برای ارزیابی زیان‌های احتمالی تکانه‌های خارجی و احتمال بروز بحران‌های اقتصادی استفاده می‌شود. امروزه استفاده از این مفهوم برای کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته در قالب شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی و یا مقاومت اقتصادی رایج است. هدف این مطالعه آن است تا با معرفی و تشریح مبانی نظری برای شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی چارچوبی مناسب، جهت سنجش این شاخص برای ایران و دیگر کشورهای با درآمد متوسط منتخب دست ارائه شود. نتایج این مطالعه نشان داده است که وضعیت ایران از نظر شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی در بین هشت کشور مورد بررسی در دوره بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ مناسب نبوده به طوری که رتبه ایران در بیشتر سال‌های این دوره (۱۳ سال) از میانگین هشت کشور بالاتر بوده است. همچنین روند تغییرات این شاخص برای ایران در این دوره مثبت و صعودی است. علاوه بر این، تحلیل عوامل اثرگذار بر آسیب‌پذیری اقتصادی ایران نشان داده که در این دوره مهم‌ترین عامل تفاوت در سطح آسیب‌پذیری اقتصادی ایران در مقایسه با هشت کشور منتخب، ضعف در تنوع‌بخشی به صادرات است.

طبقه بندی JEL: C43, F15, F40, O57

کلید واژه‌ها: آسیب‌پذیری اقتصادی، کشورهای با درآمد متوسط و مقاومت اقتصادی.

* کارشناس ارشد رشته اقتصاد دانشگاه مازندران، پست الکترونیکی: ja.abdi17@gmail.com

** دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران- نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: mgilak@umz.ac.ir

۱- مقدمه

آسیب‌پذیری مفهومی است که در دهه‌های اخیر استفاده از آن در شاخه‌های مختلف علمی مانند اقتصاد، علوم اجتماعی و محیط زیست گسترش یافته است. در هر حوزه، شاخص آسیب‌پذیری با ابعاد متفاوت برای هدفی مشخص طراحی و ارائه شده است؛ گاه این شاخص ترکیبی از اجزاء فراوان برای محاسبه دقیق‌تر و گاه متشکل از چند متغیر ساده، اما کارا است. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی، آسیب‌پذیری محیط زیست (EVI)^۱، آسیب‌پذیری اجتماعی، آسیب‌پذیری در برابر زلزله، آسیب‌پذیری مناطق شهری و روستایی و... اشاره کرد.

به طور کلی در اقتصاد مفهوم آسیب‌پذیری از هر دو منظر اقتصاد خرد و اقتصاد کلان مورد توجه است. در اقتصاد خرد تاکید بر تاثیر تکانه‌ها بر رفاه خانوار است در حالی که در اقتصاد کلان تمرکز بر اثر تکانه‌ها بر رشد اقتصادی است. هسته اصلی اقتصاد خرد در مورد آسیب‌پذیری اقتصادی نگرانی در مورد این موضوع است که شاید در آمد خانوار به دلیل بروز تکانه‌های مختلف نامطلوب به سطحی کمتر از آستانه‌های تعریف شده مانند خط فقر کاهش یابد (آلوانگ و همکاران^۲، ۲۰۰۱).

در ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی در سطح کلان مقالات و مطالب بسیاری تاکنون انتشار یافته که در این بین دو رویکرد بیش از همه نمایان است؛ اول آسیب‌پذیری اقتصاد کلان که تنها در سطح بحران‌های مالی تمرکز یافته است. تحقیقات در این راستا به طور ویژه بر چگونگی آسیب‌پذیری اقتصاد کلان در نتیجه عدم تعادل‌های اقتصادی در بخش مالی کشورهای در حال توسعه انجام شده است. از جمله این عدم تعادل‌ها می‌توان به بحران‌های مالی داخلی مانند بحران ارزی، بدهی یا بانکی اشاره کرد که همگی رشد اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کنند (کامینسکی و همکاران^۳، ۱۹۹۸). همچنین مطالعات دیگری در این زمینه بر چگونگی بروز بحران‌های مالی به وسیله ویژگی‌های بخش مالی و جریان سرمایه بین‌المللی استوار است (او کامپو^۴، ۲۰۰۸). علاوه بر این، رویکردی است که به بررسی آسیب‌پذیری اقتصادی از زاویه ویژگی‌های ساختاری معینی می‌پردازد که این

1- Environmental Vulnerability Index (EVI)

2- Alwang *et. al*

3- Kaminsky *et. al*

4- Ocampo

ویژگی‌ها هر اقتصادی را در معرض هجوم تکانه‌های مالی یا اقتصادی قرار می‌دهد. اگر اقتصادی بتواند با استفاده از ظرفیت‌های خود بر این تکانه‌ها غلبه کند، می‌تواند شاهد رشد اقتصادی باشد. بنابراین، بر اساس این رویکرد آنچه تعیین‌کننده آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور است، میزان مواجهه و مقاومت در برابر تکانه‌ها است (بریگولیو، ۱۹۹۵؛ بریگولیو و گالی^۱، ۲۰۰۳؛ بریتو^۲، ۲۰۰۸؛ گویلامونت^۳، ۲۰۱۰).

هدف پژوهش حاضر آن است تا با مرور ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی در سطح کلان، الگویی مناسب جهت مقایسه آسیب‌پذیری اقتصادی برای ایران و دیگر کشورهای منتخب ارائه دهد. در این مسیر خواهیم دید که آنچه از مطالعات در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی در مورد کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌آید، مربوط به تکانه‌هایی است که از خارج از اقتصاد داخلی بر بدنه اقتصاد ملی وارد می‌شود، چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توسعه را تنها در ادغام و پیوستن به اقتصاد جهانی دیده‌اند و این رویکرد در برخی موارد عوارض جانبی سنگینی را بر آن‌ها تحمیل کرده است. مطالعه حاضر نیز آسیب‌پذیری اقتصادی را از این منظر مورد سنجش قرار می‌دهد.

۲- سابقه پژوهش و مرور منابع علمی

تمرکز اصلی در رویکرد دوم، شناسایی ویژگی‌های ساختاری^۴ و مسیرهای انتقال^۵ است که از ناحیه آن اقتصاد در معرض تکانه‌های مالی و اقتصادی قرار می‌گیرد. بی‌تردید قرار گرفتن در معرض تکانه‌ها اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. در نتیجه آسیب‌پذیری اقتصادی^۶ در این مطالعات گاهی تحت عنوان آسیب‌پذیری رشد اقتصادی مطرح می‌شود (سز و راگاب، ۲۰۱۲). این مفهوم از آسیب‌پذیری اقتصادی ابتدا به وسیله بریگولیو در مورد کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک (SIDS)^۷ مطرح شد، اما کمی بعد به صورت

1- Briguglio and Galea

2- Baritto

3- Guillaumont

4- Structural Characteristics

5- Transmission Channels

۶- از این پس آسیب‌پذیری اقتصاد کلان را آسیب‌پذیری اقتصادی می‌نامیم.

7- Small Island Developing States

مفهومی عملی برای همه کشورها مورد استفاده قرار گرفت (بریگو گلیو، ۱۹۹۵؛ بریگو گلیو، ۱۹۹۷؛ بریگو گلیو و گالی، ۲۰۰۳؛ بریگو گلیو و همکاران، ۲۰۰۹).

حاصل مطالعات در مورد کشورهای SIDS نشان می‌دهد که این کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی دور افتاده و جزیره‌ای از لحاظ اقتصادی آسیب پذیرند و به این ترتیب از شاخص آسیب پذیری اقتصادی به عنوان معیاری جهت افزایش کمک‌های بین‌المللی به این کشورها استفاده شد (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۴). اولین شاخص، شاخص آسیب پذیری اقتصادی (EcVI)^۱ بوده که به دنبال شناسایی ویژگی ساختاری است که به طور ویژه کشورهای SIDS را در برابر تکانه‌های خارجی مالی و اقتصادی آسیب پذیر می‌کند.^۲ در سال ۱۹۹۷ شاخص EcVI مشتمل بر پنج ویژگی ساختاری یک اقتصاد که از طریق مسیرهای انتقال مرتبط با تجارت یا سرمایه‌گذاری، کشورها را در معرض بحران قرار می‌دهد، پیشنهاد شد:

* باز بودن اقتصاد

* تمرکز صادرات

* دور افتادگی^۳

* وابستگی به واردات استراتژیک

* وابستگی به تامین مالی سرمایه از خارج

شاخص EcVI برای ۱۱۱ کشور از جمله ۳۰ کشور از SIDS محاسبه شد و نتایج بیانگر آسیب پذیری کشورهای در حال توسعه SIDS در مقابل بحران‌ها بوده است.

در مطالعه بریگو گلیو و گالی (۲۰۰۳) در کنار بررسی ویژگی‌های ساختاری آسیب پذیری اقتصادی، مفهومی مهم با عنوان مقاومت اقتصادی^۴ معرفی شده است. در حالی که آسیب پذیری اقتصادی به صورت مجموعه‌ای از ویژگی‌های ذاتی ماندگار یا شبه ماندگار تعریف می‌شود که یک کشور را در معرض تکانه‌های اقتصادی قرار می‌دهد،

1- Economic Vulnerability Index

۲- به منظور تمیز شاخص آسیب پذیری اقتصادی از شاخص آسیب پذیری محیط زیست (EVI) از نماد (EcVI) استفاده شده است.

3- Remoteness

4- Economic Resilience

مقاومت اقتصادی به صورت «توانایی یک کشور در ایستادگی و غلبه بر آسیب‌پذیری‌های ذاتی تعریف می‌شود که نتیجه اتخاذ برخی از سیاست‌ها است» (بریگوگلیو و گالی، ۲۰۰۳). تاکید بر مقاومت اقتصادی از این جنبه اهمیت دارد که می‌توان با استفاده از این مفهوم توضیح داد که چرا برخی کشورها که در معرض حجم بزرگی از تکانه‌های خارجی قرار دارند، اما شاهد سطوح بالایی از توسعه اقتصادی هستند. یکی از مثال‌های مشهور در این زمینه، موفقیت کشور سنگاپور است که به «پارادوکس سنگاپور»^۱ معروف شده است. این کشور در حالی که در گروه کشورهای SIDS قرار می‌گیرد، اما توانسته با بهبود فضای رقابتی و توانمندسازی زیرساخت‌های تجاری و مبادلاتی به رشد اقتصادی بالایی دست یابد. بنابراین با تمرکز بر مقاومت اقتصادی، توجه به سمت سیاست‌گذاری برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی معطوف می‌شود (بریگوگلیو و گالی، ۲۰۰۳).

جدیدترین و شاید جامع‌ترین کار عملی در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی در سال ۲۰۱۵ برای کشورهای OECD ارائه شده است. در این پژوهش بیش از ۷۰ شاخص برای سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی پیشنهاد شده است. این شاخص‌ها به شش گروه تقسیم می‌شوند: ۱- عدم تعادل‌های بخش مالی، ۲- عدم تعادل‌های بخش غیر مالی، ۳- عدم تعادل‌های بازار دارایی، ۴- عدم تعادل‌های بخش عمومی، ۵- عدم تعادل‌های بخش خارجی و ۶- سرریز بین‌المللی، سرایت و ریسک‌های جهانی.

از بین شش بخش بیان شده پنج بخش ابتدایی مربوط به آسیب‌پذیری ناشی از ساختار اقتصاد داخلی می‌باشد و تنها بخش ششم بیانگر بحران‌هایی است که از عوامل بیرون از اقتصاد داخلی نشات می‌گیرد (روآن و همکاران^۲، ۲۰۱۵).

براتی (۱۳۸۷) به بررسی و محاسبه شاخص آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی اقتصادی با روشی متفاوت از مطالعاتی که در بالا مرور شد، پرداخت. او با اشاره به رابطه نزدیک تعاریف بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی، این نکته را مورد توجه قرار داده است که اقتصادها در معرض حجم انبوهی از تکانه‌ها و بحران‌های داخلی و خارجی هستند به طوری که شاید نتوان همه آن‌ها را شناسایی و وارد الگو کرد. در نتیجه استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی

1- Singapore Paradox

2- Rohn et. al (2015)

مانند تولید (رشد) و قیمت (تورم) را جهت سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی را پیشنهاد می‌دهد، چراکه تمام تکانه‌ها و بحران‌ها در آن‌ها ظهور خواهد کرد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- ماهیت و نقش تکانه

یک تفاوت کلیدی در بین مطالعات آسیب‌پذیری اقتصادی مربوط به نوع یا ماهیت تکانه است، چراکه تکانه‌های مختلف اثرات متفاوتی در آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور خواهند داشت؛ تکانه‌هایی شامل بحران‌های ارزی داخلی تا تکانه‌های مالی و اقتصادی و یا تکانه‌هایی در سطح بلاای طبیعی که در مقالات مختلف میزان تمرکز بر آن‌ها متفاوت بوده است.

تعیین تناوب، اندازه و منبع تکانه به شناسایی اثر تکانه بر اقتصاد کمک می‌کند. برای مثال، یک تکانه اقتصادی که در بازارهای مالی در یک کشور در حال توسعه با درآمد متوسط به وجود می‌آید، خطرات متفاوتی نسبت به یک رکود اقتصادی خارجی و جهانی به دنبال خواهد داشت (سز و راگاب، ۲۰۱۲).

در حوزه بحران‌های مالی، تکانه‌های پولی داخلی و خارجی و در حوزه مسیرهای انتقال و ویژگی‌های ساختاری، علاوه بر تکانه‌های پولی، تکانه‌های واقعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه نگاه پژوهش حاضر به حوزه ارتباط خارجی کشورهای در حال توسعه است، بنابراین تکانه‌هایی مد نظر قرار خواهند گرفت که از منبعی خارج از اقتصاد داخلی ایجاد شده‌اند.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این‌که در ادبیات مربوط به آسیب‌پذیری اقتصادی منظور از تکانه، تغییری غیر قابل پیش‌بینی و پیش‌بینی نشده است. در واقع، تکانه‌های قابل پیش‌بینی مانند افزایش مخارج عمومی، تغییر در نرخ‌های ارز رسمی و... جایی برای بحث در آسیب‌پذیری اقتصادی نخواهند داشت، چراکه این تکانه‌ها در واقع ابزارهایی برای حکمرانی دولت‌ها بر اقتصاد هستند، اما تکانه‌های غیر قابل پیش‌بینی، اغلب نامطلوب (مانند تورم داخلی و جهانی، مخارج دولت، قیمت‌های جهانی نفت و...) هستند و هر چه یک کشور بیشتر در معرض آن‌ها قرار گیرد، آسیب‌پذیرتر و احتمالاً بی‌ثبات‌تر خواهد بود (براتی، ۱۳۸۷).

۲-۳- وارد کردن تکانه‌ها به الگو به صورت جدا

حضور تکانه‌ها در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی اغلب به صورت شناسایی مسیرهای انتقال و ویژگی‌هایی که می‌تواند هر تکانه را منتقل کند، لحاظ می‌شود و تنها در پژوهش‌های گویلامونت (۲۰۰۷ و ۲۰۱۰) و مطالعات مشابه ایشان، برخی تکانه‌ها در الگو به عنوان متغیر وارد شده است. در پژوهش حاضر، از این روش پرهیز می‌شود، چرا که طبق تعریف، «ماهیت تکانه‌های اقتصادی غیر قابل پیش‌بینی بودن آن‌ها است» (براتی، ۱۳۸۷) و هر لحظه یک اقتصاد در معرض تکانه‌های مختلف با تناوب و شدت‌های متفاوت است که اغلب شناسایی و پیش‌بینی آن‌ها غیر ممکن است. در نتیجه وارد کردن یک یا چند تکانه، آن هم شاید بدون لحاظ کردن شدت و تناوب، در برابر انبوهی از تکانه‌های شناس و ناشناس دیگر مفید نخواهد بود و بهتر آن است تا با شناخت مسیرهایی که تکانه‌ها از طریق آن به اقتصاد راه می‌یابند، آسیب‌پذیری اقتصادی را صورت‌بندی کنیم.

۳-۳- ویژگی‌های ساختاری و مسیرهای انتقال

ویژگی‌های ساختاری و مسیرهای انتقال مفاهیمی هستند که نقش اساسی و مهم در ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی برعهده دارند، اما هنوز توافقی جامع در تعریف یا مصداق‌های هر یک از آن‌ها وجود ندارد. ساختار طبق تعریف جیمز توین «مسیری است که به وسیله آن تکانه‌های معین در درون اقتصاد گسترش می‌یابند».

در ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی در بین متون علمی مختلف در مورد شناسایی ویژگی‌های ساختاری که منشا مواجهه یک اقتصاد با تکانه‌ها هستند، اتفاق نظر وجود ندارد. برای مثال، برخی از مطالعات بر اندازه و مکان به عنوان ویژگی‌های ساختاری تعیین‌کننده در میزان مواجهه یک کشور با تکانه‌ها تاکید دارند و برخی دیگر وابستگی به صادرات یا وابستگی به جریان‌های سرمایه خصوصی را به عنوان ویژگی‌های اصلی برای مواجهه اقتصاد با تکانه‌ها معرفی می‌کنند.

تکانه‌های مالی و اقتصادی از طریق مسیرهایی به درون اقتصاد ملی یا اقتصاد جهانی ورود می‌کنند که تحت عنوان مسیرهای انتقال یا ورودی یاد می‌شود. این مسیرها اغلب تجارت، جریان‌های سرمایه‌ای شخصی و کمک‌های رسمی توسعه‌ای (ODA)^۱ هستند

1- Official Development Assistance

(سز و راگاب، ۲۰۱۲). در واقع ویژگی‌های ساختاری و مسیرهای انتقال هر دو آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور را نشان می‌دهند. این دو مفهوم فاصله چندانی از هم نداشته و در برخی مطالعات در کنار هم و یا به جای هم بکار می‌روند. در مطالعه حاضر استفاده از مفهوم مسیرهای انتقال برای سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی لحاظ شده است که در ادامه تشریح خواهد شد. تحولات جهانی از سه مسیر اصلی بر اقتصاد داخلی کشورها تاثیر می‌گذارد: مسیر تجارت، مسیر مالی و مسیر اطمینان - عدم اطمینان.

۱-۳-۳- مسیر تجارت

تغییراتی که از اثر تکانه‌های خارجی، در جریان کالاها و خدمات رخ می‌دهد از مسیر تجارت عمل می‌کند. برای مثال، یک تکانه خارجی منفی تقاضا که از تقاضا برای صادرات یک کشور می‌کاهد، سبب کاهش در قیمت و مقدار کالاهای صادراتی خواهد شد. یک تکانه خارجی منفی عرضه نیز به شکلی عمل می‌کند که کالاهای وارداتی گران شود و در نتیجه سبب کاهش در سود بنگاه‌ها و درآمد قابل دسترس خانوارها می‌شود. سهام تجاری متنوع می‌تواند یک کشور را در برابر تکانه‌هایی که از شرکای تجاری یا بخش‌های تجاری خاص می‌رسد، مقاوم‌تر کند (روآن و همکاران، ۲۰۱۵؛ بریگو گلیو و همکاران، ۲۰۰۹).

افزایش زنجیره‌های قیمت جهانی (GVC)^۱ اهمیت زیادی در مفهوم مسیر تجاری دارد. به ویژه اثرات غیرمستقیم تجارت احتمالاً مهم‌تر است. برای مثال، اقتصاد داخلی یک کشور می‌تواند از تکانه‌های کشوری آسیب ببیند که این کشور شریک تجاری مستقیم او به‌شمار نمی‌رود، اما در طول همان زنجیره عرضه مشترک با آن کشور کار می‌کند. به دلیل ارتباط و اتصال قوی در طول GVC، این امکان وجود دارد که اقتصادهای ملی در برابر ریسک‌های سیستمی آسیب‌پذیرتر باشند. منظور از ریسک سیستمی، ریسکی است که در آن سقوط یک عضو از زنجیره منجر به در هم شکستن همه مجموعه شود. در خلال رکود بزرگ و زلزله ژاپن در سال ۲۰۱۱ زنجیره GVC نقش اساسی در انتقال بحران ایفا کردند (روآن و همکاران، ۲۰۱۵).

۲-۳-۳- مسیر مالی

جریان دارایی و بدهکاری در مسیر مالی قرار می‌گیرد. مسیر مالی را می‌توان به دو بخش مسیر بانکی و مسیر غیر بانکی تقسیم کرد. این جداسازی سبب می‌شود تا اهمیت بخش بانکی در مناطقی مانند اتحادیه اروپا و... که از پیوستگی مالی بالایی برخوردارند، نمایان‌تر شود. فرآیند سرایت تکانه‌های مالی در بخش بانکی اغلب به وسیله ترازنامه بانکی صورت می‌گیرد (روآن و همکاران، ۲۰۱۵؛ کامینسکی و همکاران، ۱۹۹۸).

مسیر بانکی را می‌توان به دو مسیر دارایی و بدهکاری تقسیم کرد. اگر حالت سرریز و تاثیر بر دارایی‌های بانکی در ترازنامه رخ دهد؛ برای مثال اگر یک بانک داخلی (یا شعبه‌ای از یک بانک خارجی) در خارج از کشور زیان ببیند، در نتیجه آن با کاهش در نسبت دارایی به سرمایه، بانک ممکن است با کاهش ترازنامه خویش از حجم وام پرداختی به اقتصاد داخلی بکاهد. همچنین اگر یک بانک داخلی وابستگی بالایی به اعتبارات خارجی به ویژه به بازارهای عمده بین بانکی بین‌المللی داشته باشد در این حالت ممکن است اثر سرریز از سمت بدهکاری در ترازنامه بانک رخ دهد. تکانه‌های خارجی می‌تواند منجر به کاهش اعتبارات خارجی شود. در این شرایط اگر بانک داخلی نتواند این کاهش را با منابع داخلی جایگزین کند، ناچار خواهد بود تا در پرداخت وام به داخل محدودیت ایجاد کند و یا دیگر دارایی‌های خود را به فروش رساند. علاوه بر این، روابط مستقیم مالی، ممکن است سرریز غیرمستقیم نیز حاصل شود. برای مثال، بانک‌ها ممکن است در واکنش به زیان‌هایی که در پرداخت وام به دیگر کشورها متحمل شده‌اند، میزان پرداخت وام به یک کشور دیگر را محدود کنند (روآن و همکاران، ۲۰۱۵).

مسیر غیربانکی از طریق بازارهای سهام و اوراق قرضه عمل می‌کند. یک تکانه خارجی ممکن است ارزش دارایی‌های خارجی سهام‌داران و صاحبان اوراق قرضه را کاهش دهد. به دلیل اثرات شتاب‌دهنده مالی و دارایی، این زیان‌ها می‌تواند در قالب کاهش تقاضای داخلی مصرف‌کننده‌ها و بنگاه‌ها دیده شود. همچنین یک تکانه ممکن است سبب شود تا سرمایه‌گذاران خارجی از میزان دارایی‌های خود در بازار داخلی بکاهند و منجر به سقوط بازارهای داخلی سهام و اوراق قرضه شود و دوباره، تاثیر این رویداد از طریق اثرات شتاب‌دهنده مالی و دارایی بر تقاضای داخلی خواهد بود (روآن و همکاران، ۲۰۱۵).

۳-۳-۳- مسیر اطمینان - عدم اطمینان

هر تغییر در سطح عدم اطمینان اقتصاد داخلی به دلیل تکانه‌های وارده از سایر نقاط جهان، از مسیر اطمینان - عدم اطمینان عمل می‌کند. یک تکانه خارجی منفی ممکن است منجر به افزایش نااطمینانی خانوارها و بنگاه‌ها شود، چرا که در این فضا همه فعالان اقتصادی منتظرند تا در نهایت، این تکانه چه تاثیری بر اقتصاد داخلی خواهد داشت. در این شرایط احتمال آن وجود دارد که خانوارها مصرف خویش را به تعویق بیندازند چرا که با افزایش نااطمینانی، خانوارها تحریک می‌شوند به «انتظار»^۱ و «دیدن»^۲؛ اینکه اقتصاد چه خواهد شد؟ (روآن و همکاران، ۲۰۱۵).

بنگاه‌ها نیز ممکن است در تصمیماتشان ارزیابی مجدد کنند و سرمایه‌گذاری را به تاخیر اندازند. همچنین با ظهور نااطمینانی شاید هزینه‌های قرض یا وام برای خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان سرمایه‌گذاران افزایش یابد و در برابر ریسک آتی طلب خسارت بیشتری داشته باشند. علاوه بر این، تکانه‌های نااطمینانی می‌تواند به وسیله سرمایه‌گذاران خارجی انتقال یابد. بروز نگرانی‌های مالی در یک کشور می‌تواند به مثابه یک بیدار باش برای ریسک در کشورهای آن منطقه و یا دیگر کشورهای مشابه باشد (روآن و همکاران، ۲۰۱۵).

۳-۴- واکاوی مقاومت اقتصادی

همان‌طور که بیان شد بنیان توصیفی بحران‌های مالی و اقتصادی برای آسیب‌پذیری اقتصادی جدا از مفهوم مقاومت اقتصادی نیست. در این بخش با تشریح مفهوم مقاومت اقتصادی به این سوال که آیا ظهور شاخصی از مقاومت اقتصادی در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی لازم است یا خیر، پاسخ داده می‌شود.

بسته به اینکه فرضیات بر مبنای کارایی بازاری و عقلانیت^۳ فعالان بازار باشد، مطالعات مختلف مجموعه‌ای متفاوت از سیاست‌ها را تحت عنوان مقاومت اقتصادی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی پیشنهاد می‌دهند. برای مثال، برخی که مطالعات سیستم‌های پیش‌هشدار را برای علامت دهی بحران‌های ارزی پیشنهاد می‌دهند (رویکرد اول).

1- Wait

2- See

3- Rationality

در رویکرد دوم از آسیب‌پذیری اقتصادی نسبت به رویکرد اول، مقاومت اقتصادی بیشتر توسعه یافت. به طور کلی، مقاومت اقتصادی به صورت توانایی مقابله یا ایستادگی یک اقتصاد در برابر تاثیر بحران‌ها تعریف می‌شود (بریگو گلیو و همکاران، ۲۰۰۹). برای مثال، بریگو گلیو چهار جنبه حیاتی از سیاست‌گذاری شامل ثبات اقتصادی، کارایی اقتصادی، حکمرانی شایسته و توسعه اجتماعی را برای رسیدن به مقاومت اقتصادی مطرح کرده است.

مطالعات دیگر در این حوزه تفاوت‌چندانی در تعریف ندارند، بلکه تفاوت آن‌ها در مجموعه معیارهایی است که برای دستیابی به مقاومت اقتصادی مدنظر قرار می‌دهند. برای مثال، بریتو (۲۰۰۸) از نرخ پس‌انداز به عنوان شاخص منابع در دسترس برای هزینه در بازسازی پیامدهای وقوع تکانه‌های طبیعی یاد می‌کند. همچنین گویلامونت (۲۰۱۰) بر نقش رقابت و سرمایه انسانی در ساخت مقاومت اقتصادی تمرکز می‌کند. در بین مطالعات انجام شده تنها بریگو گلیو (۲۰۰۳، ۲۰۰۹) اقدام به وارد کردن شاخصی از مقاومت اقتصادی در مدل سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی کرده است. او درآمد سرانه را به عنوان جانشینی برای مقاومت اقتصادی در نظر گرفته و با محاسبه آسیب‌پذیری اقتصادی که با مقاومت اقتصادی تکمیل شده است، ریسک خالصی را که یک اقتصاد با آن روبرو است سنجش می‌کند.

با توجه به اینکه هدف مطالعه حاضر تنها ارائه سنجشی از آسیب‌پذیری اقتصادی برای کشورهای با درآمد متوسط است، مفهوم مقاومت اقتصادی را در قالب سیاست‌هایی دیده می‌شود که دولت‌ها باید در پاسخ به این آسیب‌پذیری برای مقابله با بحران‌ها اتخاذ کنند. این نگاه در اغلب پژوهش‌های این حوزه وجود داشته است. در نتیجه ضرورتی برای سنجش مقاومت اقتصادی به صورت جدا یا در کنار آسیب‌پذیری اقتصادی دیده نمی‌شود.

۴- اندازه‌گیری آسیب‌پذیری اقتصادی

در بخش قبل تلاش شد تا با معرفی انواع مسیرهای انتقال، مبانی نظری محکمی برای ساخت چارچوبی از شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی ارائه شود. در ادامه باید برای هر یک از این مسیرهای انتقال، شاخصی به عنوان جانشین کمی ارائه شود تا فرآیند ساخت شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی تکمیل شود.

۱-۴- باز بودن اقتصاد (درجه باز بودن اقتصادی)

شاخص باز بودن اقتصاد به عنوان جانشینی برای مسیر انتقالی تجارت عمل خواهد کرد. این شاخص، برابر با جمع واردات و صادرات به کل تولید ناخالص داخلی است. این نسبت به طور متعارف در اقتصادهای پیشرفته بین ۳۰ تا ۶۰ درصد است، اما در کشورهای شرق آسیا و در آستانه بحران ۱۹۹۷، بیش از ۱۰۰ و گاه به ۲۰۰ درصد رسیده بود. در این شرایط یک اختلال خارجی در صادرات یا واردات یا ورود و خروج سرمایه، امواج بزرگی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و به علت سهم بالای تجارت خارجی در اقتصاد، توقف در تجارت کالایی یا مالی موجب سکنه در کل اقتصاد خواهد شد. این اتفاقی بود که در بحران ۱۹۹۷ ابتدا در بازارهای مالی شرق آسیا (که وابسته به سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی بود) و سپس در دیگر بخش‌ها رخ داد (بریگو گلیو، ۲۰۰۹). در نتیجه هر چه این شاخص بزرگتر باشد، آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور هم بالاتر است. به طور معمول سنجش درجه باز بودن اقتصاد به صورت نسبت جمع واردات و صادرات به GDP انجام می‌شود، اما در برخی مطالعات از جمله در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی از نسبت میانگین واردات و صادرات به GDP استفاده می‌شود. تفاوت این دو روش در محاسبه شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی تنها در سطح است و نه در ارزش‌های نسبی داده‌های نهایی. با این وجود در این مطالعه از روش دوم، یعنی نسبت میانگین واردات و صادرات به GDP استفاده شده است. داده‌های این شاخص از داده‌های بانک جهانی (WB)^۱ استخراج شده است.

۲-۴- باز بودن مالی (درجه باز بودن مالی)

متغیر باز بودن مالی، جانشینی برای مسیر انتقال مالی است. «اندازه‌گیری میزان باز بودن مالی» مسأله‌ای است که به طور معمول همراه با مشکلاتی است. چنانچه به نظر مونتایل شاخص باز بودن، مفهومی غیر شفاف است که در بیشتر برنامه‌های کاربردی تعریف نشده و اندازه‌گیری آن مشکل است. کانت معتقد است معیارهایی که بر اساس سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اندازه‌گیری می‌شوند، اغلب بهتر هستند، زیرا منجر به درک عمیق‌تری از

ارتباطات انواع جریان سرمایه می‌شود. اقدام سینگ (۲۰۰۳) در طبقه‌بندی جریان سرمایه به جریان‌های بلندمدت (FDI) و جریان‌های کوتاه‌مدت منجر به درک این موضوع می‌شود که سرمایه‌گذاری پرتفوی (PI)^۱ بیشتر سوداگرانه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) دائمی‌تر است» (قندهاری و همکاران، ۱۳۹۲).

بنابراین در این پژوهش با توجه به داده‌های در دسترس، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص باز بودن مالی انتخاب شده است. هر چه این شاخص بزرگ‌تر باشد، شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی هم بیشتر است. داده‌های این شاخص از صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۲ استخراج شده است.

۳-۴- تمرکز در صادرات^۳

شاخص تمرکز در صادرات بیانگر احتمال ظهور تکانه‌هایی است که از مجرای مسیر تجارت بر اقتصاد داخلی وارد می‌شوند. این شاخص درست عکس تنوع در صادرات است و هر ساله به وسیله آنکتاد^۴ محاسبه و منتشر می‌شود. وابستگی حداقل نیمی از صادرات یک کشور به یک محصول خاص سبب می‌شود تا در صورت بروز اختلال در صادرات آن محصول، هم بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان شود. کاربرد این شاخص در سنجش آسیب‌پذیری کشورهایمانند ایران که تعداد کالاهای صادراتی محدود دارد، بسیار اهمیت دارد. در واقع هر چه این شاخص بزرگ‌تر باشد، آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها هم بالاتر است.

۴-۴- وابستگی به کالای استراتژیک

جنبه دیگر خطرپذیری اقتصاد وابسته بودن اقتصاد به کالاهای استراتژیک و کالاهای سرمایه‌ای است. این وابستگی اقتصاد را در معرض تکانه‌های ناشی از تحریم صادرات این دسته از کالاها به داخل کشور قرار می‌دهد و بی‌شک نقطه اثر این تکانه‌ها بیش از همه از طریق مسیر اطمینان-عدم اطمینان است. در این مورد، تکانه به صورت افزایش هزینه‌های

1- Portfolio Investment

2- International Monetary Fund

3- Concentration Index

4- United Nation Conference of Treatment And Development: UNCTAD

تولید و کاهش تولید ناخالص ملی ظاهر می‌شود. همچنین اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود برطرف شود، خطر بروز تکانه چندین برابر خواهد بود (برگو گلیو، ۲۰۰۳). در تجارت بین‌الملل اصل بر این است که هر کشور شرکای تجاری خود را گسترده سازد و سطح تعاملات تجاری آن با هر کشور از حد معینی بالاتر نرود تا در صورت تحریم و یا بروز تکانه، اقتصاد داخلی دچار تلاطم شدید نشود و بتواند به راحتی به دنبال جایگزین مناسب باشد.

کالای استراتژیک کالایی است که برای یک کشور حیاتی بوده و در صورت کمبود آن کشور دچار مشکلات اساسی و شاید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. در کشورهای صنعتی کالای استراتژیک می‌تواند برد (چیت)‌های رایانه‌ای باشد و در کشورهای توسعه نیافته ممکن است اقلام خوراکی به عنوان کالای استراتژیک محسوب شود. در کشورهای در حال توسعه می‌توان واردات انرژی، غذا یا کالاهای صنعتی را به عنوان کالای استراتژیک در نظر گرفت (بریگو گلیو، ۲۰۰۹).

با توجه به نیاز حیاتی و رو به رشد کشورهای در حال توسعه به انرژی در جهت اهداف توسعه‌ای خویش، در پژوهش حاضر نسبت واردات انرژی به کل انرژی مصرفی کشورهای منتخب، به عنوان واردات کالای استراتژیک در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه ایران یکی از تولیدکنندگان بزرگ انرژی در جهان است به طور قطع این شاخص برای کشور ما چندان بزرگ نخواهد بود و شاید در برخی سال‌ها منفی هم باشد که این موضوع به عنوان یک مزیت مثبت در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی ظاهر می‌شود. داده‌های نسبت واردات انرژی به کل انرژی مصرفی از پایگاه آماری بانک جهانی (WB) استخراج شده است.

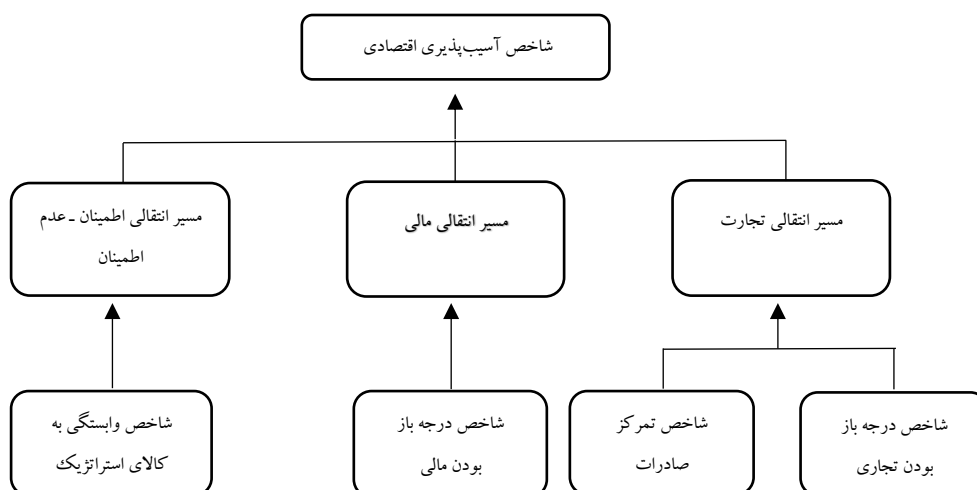
۵-۴- تفاوت بین آسیب‌پذیری ساختاری و آسیب‌پذیری قابل اصلاح

نکته حائز اهمیت دیگر توجه به تفاوت بین آسیب‌پذیری ساختاری و آسیب‌پذیری متأثر از سیاست‌ها است. در نوع اول، عوامل تعیین‌کننده آسیب‌پذیری اقتصادی برآمده از ویژگی‌های ذاتی یک کشور (مانند جمعیت و اندازه و دور افتادگی) است که به طور معمول مستقل از سیاست‌های اصلاحی منجر به آسیب‌پذیری می‌شوند. به عنوان مثال، در رابطه با معیار دورافتادگی یا بلایای طبیعی، عملی کاری از دست سیاست‌گذار ساخته نیست و یا در مورد اندازه یک کشور که به طور معمول با جمعیت آن سنجیده می‌شود، اقدام

برای اصلاح نرخ موالید و افزایش جمعیت اغلب زمان‌بر خواهد بود. اما در نوع دوم، سیاست‌ها اغلب قادرند که آسیب‌پذیری اقتصادی را تعدیل و اصلاح کنند. به عنوان مثال، در مورد شاخص تنوع در صادرات، می‌توان سیاست‌هایی در جهت تشویق صادرات کالاها اتخاذ کرد و یا در مورد وابستگی به انرژی، می‌توان به دنبال جایگزینی بخشی از نیاز مصرف داخلی با انواع دیگر انرژی بود (گویلامونت، ۲۰۱۰).

با توجه به رویکرد این مطالعه، در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی از عواملی چون اندازه و دور افتادگی و بلایای طبیعی برای کشورهای منتخب صرف نظر شده است. با توجه به دلایل مطرح شده، الگوی پیشنهادی این مطالعه برای سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی به طور خلاصه در نمودار (۱) نمایش داده می‌شود.

نمودار (۱) - الگوی سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی



۶-۴- وزن‌دهی

یکی از مشکلات ساختن شاخص‌ها انتخاب وزن‌های مربوط به هر جزء است. وزن‌دهی در ساخت شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی اغلب به صورت ذهنی^۱ است. آنچه در مطالعات برای وزن‌دهی متغیرها استفاده شده است، به دو روش تقسیم می‌شود:

۱-۶-۴- وزن‌های یکسان

ساده‌ترین راه برای انتخاب وزن‌ها در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی استفاده از وزن‌های از پیش تعیین شده و برابر است. در این روش داده‌ها را به وسیله روش حداکثر-حداقل (MAX-MIN) به مقادیری بین صفر و یک نرمال^۱ کرده و با وزن‌های برابر، متغیرها جمع می‌شود. مشکلی که این روش دارد این است که همه عوامل به دلیل وزن‌های یکسان از اهمیت یکسانی برخوردارند در حالی که می‌دانیم میزان تاثیر هر یک از این متغیرها در سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی متفاوت است. برای مثال، به احتمال زیاد میزان اهمیتی که شاخص تمرکز صادرات بر آسیب‌پذیری اقتصادی دارد، کمتر از میزان اهمیت شاخص باز بودن اقتصاد است (گویلامونت، ۱۹۹۹).

۲-۶-۴- تخمین وزن‌ها

در این روش که بوسیله آتکینز و همکاران^۲ (۲۰۰۰) و ولز^۳ (۱۹۹۷) انجام گرفته، فرض اساسی این است که می‌توان یک متغیر وابسته دیگری به عنوان جانشین برای آسیب‌پذیری اقتصادی پیدا کرد (آتکینز و ولز نوسانات رشد را به عنوان جانشین مناسب برای آسیب‌پذیری اقتصادی انتخاب کردند) و با برازش متغیرهای منتخب بر روی این شاخص جانشین، ضرایب به دست آمده را به عنوان وزن‌های هر یک از متغیرها در نظر گرفته می‌شود.

در برخی مطالعات تغییرات فقر را نیز به عنوان جانشین دیگری برای آسیب‌پذیری اقتصادی انتخاب کرده‌اند (گویلامونت، ۱۹۹۹). نقدی به این روش وارد می‌شود مینی بر اینکه اگر می‌توان شاخص را به عنوان جانشین برای شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی در نظر گرفت در این صورت چه نیازی به محاسبات پیچیده برای اندازه‌گیری شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی به شکل جداگانه است.

در این مطالعه از روش وزن‌های یکسان برای محاسبه شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی استفاده شده است. برای میانگین‌گیری ابتدا باید داده‌ها نرمال شوند.

1- Normal

2- Atkins *et. al*

3- Wells

* نرمال کردن

برای محاسبه آسیب‌پذیری اقتصادی داده‌های مربوط به متغیرهای موجود در الگو باید متناسب باشند برای این منظور ما همه داده‌ها را به روش MAX-MIN بین صفر و یک نرمال کردیم. هرچند انتخاب بازه برای نرمال کردن اعداد دلخواه است، اما انتخاب بازه صفر و یک رایج است. فرمول روش MAX-MIN مطابق معادله (۱) است.

$$new_x = \frac{x - \min_x}{\max_x - \min_x} (new_max_x - new_min_x) + new_min_x \quad (1)$$

که در آن $[new_min_x, new_max_x]$ بازه جدیدی است که در آن اعداد نرمال می‌شوند. در صورتی که این بازه $[0, 1]$ باشد، این فرمول به شکل معادله (۲) خلاصه می‌شود.

$$new_x = \frac{x - \min_x}{\max_x - \min_x} \quad (2)$$

با استفاده از معادله (۲) هر دسته اعداد را می‌توان بین صفر و یک نرمال کرد.

۵- انتخاب کشورها

بخش دیگری که برای این مطالعه اهمیت دارد انتخاب کشورهایی است که جهت مقایسه با ایران مناسب هستند. برای این منظور از معیارهای پیشنهادی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله استفاده شد. بر اساس این سند در افق ۱۴۰۴، ایران باید در چشم‌انداز ۲۰ ساله منتهی به ۱۴۰۴ هجری شمسی، کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه باشد. مقصود از منطقه بیان شده در این سند، منطقه آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه، خلیج فارس، افغانستان و پاکستان است. در بین کشورهای منطقه، ۱۰ کشور شامل: آذربایجان، امارات متحده عربی، ارمنستان، قطر، ترکیه، سوریه، عربستان سعودی، پاکستان، قزاقستان و مصر مهم‌تر هستند. معیار اهمیت این کشورها برآمده از مقایسه آن‌ها با دیگر کشورها در رابطه با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی است. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری، بهره‌وری نیروی کار، جمعیت زیر خط فقر، شاخص توسعه انسانی، نرخ دسترسی به اینترنت و... اشاره کرد (طباطبایی و مافی، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر ایران با کشورهای مهم منطقه آسیای جنوب غربی مقایسه شده است. از بین این کشورها دو کشور عربستان و قطر در گروه کشورهای با درآمد متوسط قرار ندارند در نتیجه در بررسی ما نمی‌گنجد و همچنین به دلیل عدم دسترسی به داده‌های آماری کشور سوریه در سال‌های اخیر، این کشور نیز برای مقایسه با ایران کنار گذاشته شد. هدف از انتخاب این الگو در انتخاب کشورها، دستیابی به مقایسه‌ای است که تصویری حقیقی و نه دور از دسترس از آسیب‌پذیری اقتصادی ایران فراهم آورد. در واقع رویکرد مطالعه حاضر در انتخاب کشورها، دو جنبه اصلی دارد؛ اول انتخاب کشورهایی که از نظر جغرافیایی و ساختار طبیعی فاصله چندانی با ایران نداشته باشند تا به این ترتیب آسیب‌پذیری ساختاری که مدنظر این مطالعه نیست از حوزه بررسی خارج شود و دوم اینکه کشورهایی جهت مقایسه انتخاب شوند که از نظر سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی و ثبات سیاسی متناسب با ایران باشند.

۶- یافته‌ها

نتایج حاصل از محاسبه شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی در نموداری از رتبه ایران در بین هشت کشور مورد مقایسه در سال‌های مختلف نشان داده شده است (نمودار (۲)). هر چه رتبه ایران کمتر باشد، بیانگر بالا بودن سطح شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی و شرایط بدتر ایران از نظر این شاخص است. همچنین مقایسه بین سطح شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی ایران با میانگین هشت کشور منتخب در نمودار (۳) به نمایش درآمده است. بر این اساس، سطح آسیب‌پذیری کشور ایران در بیشتر سال‌های مورد بررسی (۱۳ سال) از میانگین هشت کشور بالاتر بوده است. تغییرات سطح شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی در این دوره نشان می‌دهد که روند این شاخص برای ایران مثبت و صعودی بوده که این نشانگر بدتر شدن وضعیت ایران در این دوره است. به منظور شناخت بهتر عوامل موثر بر آسیب‌پذیری اقتصادی ایران، مقایسه داده‌های ایران را در چهار شاخص درجه باز بودن اقتصاد، درجه باز بودن مالی، تمرکز صادرات و وابستگی به کالای استراتژیک با میانگین هشت کشور منتخب نشان داد که در این دوره، شاخص تمرکز صادرات سهم نسبی بالاتری در آسیب‌پذیری اقتصادی ایران داشته است. براساس نمودار (۴) در طول دوره مورد بررسی همواره سطح شاخص تمرکز صادرات ایران بالاتر از میانگین هشت کشور بوده در حالی که در سه متغیر دیگر این تفاوت کمتر و گاه معکوس بوده است.

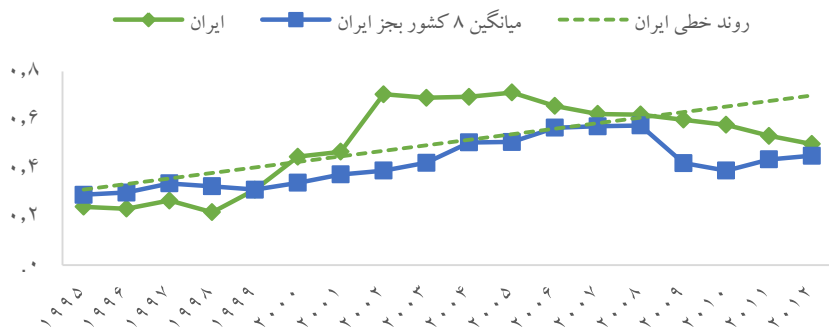
مقایسه‌ای از آسیب‌پذیری اقتصادی ایران با سایر کشورهای... ۱۹۷

نمودار (۲) - رتبه ایران در شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی در بین کشورهای منتخب



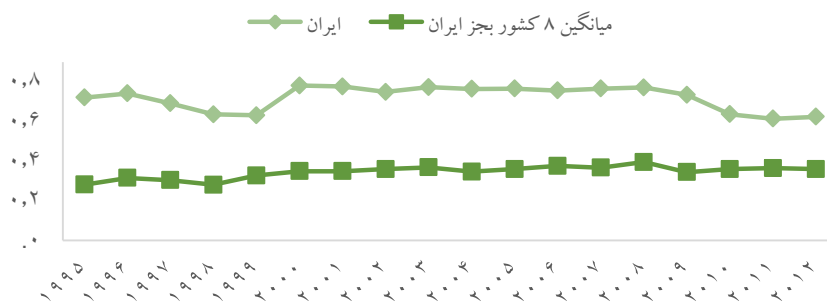
منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار (۳) - مقایسه ایران با میانگین ۸ کشور در شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار (۴) - مقایسه شاخص تمرکز صادرات ایران با میانگین ۸ کشور



منبع: آنکتاد

۷- نتیجه گیری

در طول سه دهه اخیر با افزایشی که در تکانه‌های مالی و اقتصادی از نظر تناوب و شدت ایجاد شده است، پرسش‌های مهمی در مورد ویژگی‌های سیستمی و توانایی کشورها در مقابله با پیامدهای مخرب چنین عدم اطمینان‌هایی مطرح شده است. در جهانی که کشورهای در حال توسعه به سرعت در حال تغییرند و در جایی که بحران‌ها متناوب‌تر هستند، رجوع به مفهوم آسیب‌پذیری اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش این بوده است تا با مرور ادبیات آسیب‌پذیری اقتصادی بتوانیم به الگویی مناسب برای ایران و دیگر کشورهای منتخب برای مقایسه میزان آسیب‌پذیری اقتصادی دست پیدا کنیم. در این مسیر دیدیم، آنچه از مطالعات انجام شده برای آسیب‌پذیری اقتصادی در مورد کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌آید، مربوط به تکانه‌هایی است که از خارج از اقتصاد داخلی بر بدنه اقتصاد ملی وارد می‌شود.

الگویی که ما در این مطالعه برای سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی مدنظر قرار دادیم در بستر مسیرهای انتقال شکل گرفت؛ مسیر تجارت، مسیر مالی و مسیر عدم اطمینان. از این رهگذر به متغیرهای درجه باز بودن تجاری، درجه باز بودن مالی، تمرکز صادرات و وابستگی به کالای استراتژیک برای اندازه‌گیری شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی رسیدیم. نتایج این مطالعه نشان داده است که وضعیت ایران در این شاخص در بین هشت کشورهای مورد بررسی در دوره بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ مناسب نبوده است به طوری که رتبه ایران در بیشتر سال‌های این دوره (۱۳ سال) از میانگین هشت کشور بالاتر بوده است.

همچنین این بررسی نشان داد که در این دوره، شاخص تمرکز صادرات سهم نسبی بالاتری در آسیب‌پذیری اقتصادی ایران داشته است. در نتیجه باید مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاران کشور در جهت اصلاح روابط اقتصادی خارجی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، افزایش تنوع در صادرات باشد.

منابع

الف) فارسی

- براتی، محمدعلی (۱۳۸۷)، بررسی شاخص‌های بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی در ایران (یک رویکرد تجربی)، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- طباطبایی یزدی، رویا و فرزانه مافی (۱۳۸۶)، «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با برخی از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی طی دهه گذشته»، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قندهاری، زهرا، بتول رفعت و مصطفی عمادزاده (۱۳۹۲)، «ارزیابی اثر باز بودن تجاری و مالی بر اندازه دولت در منتخبی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، *دوفصلنامه علمی- تخصصی اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، ۴۵(۲).

ب- انگلیسی

- Alwang, J., Siegel, P. B. and S.L. Jorgensen (2001), "Vulnerability: A View From Different", The World Bank, Working Paper, No, 23304
- Baritto, F. (2008), "Disasters, Vulnerability and Resilience from a Macro-Economic Perspective: Lessons from the Empirical Evidence", Background paper for the 2009 ISDR Global Assessment Report on Disaster Risk Reduction. Geneva, International Strategy for Disaster Reduction.
- Briguglio, L. and W. Galea (2003), "Updating and Augmenting the Economic Vulnerability Index", Occasional Paper by the Islands and Small States Institute of the University of Malta. Valletta, Islands and Small States Institute of the University of Malta.
- Briguglio, L. (1995), "Small Island Developing States and their Economic Vulnerabilities", *World development*, 23(9), 1615-1632.
- Briguglio, L. (1997), "Alternative economic vulnerability indices for developing countries", New York, NY, United Nations Department of Economic and Social Affairs.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., and S. Vella (2009), "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", *Oxford Development Studies*, 37(3), 229-247.
- Cordina, G. (2004), "Economic Vulnerability and Economic Growth: Some Results from a Neo-classical Growth Modelling Approach", *Journal of Economic Development*, 29(2), 21-39

- Patrick, G. (2007), "EVI and its Use. Design of an Economic Vulnerability Index and its Use for International Development Policy", CERDI, No. 200714.
- Guillaumont, P. (2010), "Assessing the Economic Vulnerability of Small Island Developing States and the Least Developed Countries", *The Journal of Development Studies*, 46(5), 828-854.
- IMF (1998), *Financial Crises: Characteristics and Indicators of Vulnerability*. in IMF (ed.), *World Economic Outlook. Financial Crises: Causes and Indicators*. Washington, DC, IMF.
- Kaminsky, G. L., Lizondo, S. and Reinhart, C. M. (1998), "Leading Indicators of Currency Crises, Staff Papers", 45(1). Washington, DC, IMF.
- Ocampo, J. A. (2008), "Macroeconomic Vulnerability and Reform: Managing Pro-cyclical Capital Flows", Columbia University Initiative for Policy Dialogue [http://www. bot. or. th/English/EconomicConditions/Semina/Documents/08_Paper_Ocampo. pdf](http://www.bot.or.th/English/EconomicConditions/Semina/Documents/08_Paper_Ocampo.pdf).
- Röhn, O., Sánchez, A. C., Hermansen, M., and M. Rasmussen (2015), "Economic Resilience: A new set of Vulnerability Indicators for OECD Countries", OECD Economics Department Working Papers 1249.
- Seth, A., and A. Ragab (2012), "Macroeconomic Vulnerability in Developing Countries: Approaches and Issues" (No. 94). Working Paper, International Policy Centre for Inclusive Growth.
- Spratt, S. and M. Bernini (2010), "Measuring Economic Resilience and Vulnerability: Towards an International Index", Paper Presented at the 'Second Annual ESRC Development Economics Conference', Manchester, January 2010.
- Singh, A. (2003), "Capital Account Liberalization, Free Long-term Capital Flows, Financial Crises and Economic Development", *Eastern Economic Journal*, 29(2), 191-216.
- United Nations (1994), "Report of the Global Conference on the Sustainable Development of Small Island Developing States", Bridgetown, Barbados, Global Conference on the Sustainable Development of Small Island Developing States.